



مدد حقوق



شاپا چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳

دوره ۸ - شماره ۲۵ - پاییز ۱۴۰۴

امکان‌سنجی تحقق جنایت علیه بشریت از رهگذر تحریم‌های اقتصادی یکجانبه آمریکا علیه ایران
 همایون مافی، مرتضی پورعزیز
 بررسی قراردادهای هوشمند مبتنی بر بلاکچین از منظر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
 آریا ابراهیمی، سبحان طیبی
 هوش مصنوعی و نظام حقوق کیفری: تحلیل مسئولیت‌ها و پیامدها
 هادی جمشیدی فر، مهدی جعفریان، رقیه جعفریان
 تحول دادرسی کیفری در پرتو عدالت دیجیتال: کارکرد هم‌افزایانه فناوری‌های نوپهور
 سیدعلیرضا میرکمالی، سیدمصطفی حسینی دستجردی
 وضعیت حقوقی اختراع مشترک و میزان مالکیت و نحوه تصرف مخترعین در آن
 سعید مولوی، نرجس دریانی چلچله
 تعهدات قراردادی در تجارت الکترونیک فرامرزی و چالش‌های اجرای آن در داوری بین‌المللی با تأکید بر معاهدات بین‌المللی
 احسانه وثوقی منفرد، محمدعلی کفایی فر
 تحلیلی بر دخالت نظریه‌های اخلاقی در حقوق کیفری
 ایرج مروتی، سعید احمدی، نگین بهادری جهرمی
 لزوم جرم‌انگاری نگهداری ماینر در ایران (مطالعه تطبیقی)
 مهدی رجائیان، شادی چگینی
 ارتباط کرامت انسانی و اهداف مجازات‌ها در حقوق کیفری
 امیرحسین ابوالحسنی، ستار فخرایی، زینب قادری
 واکاوی مفهوم «احق بالولد» در روایات امامیه: نقدی بر انگاره «حضانت» در فقه و حقوق خانواده
 حجت‌اله دهقانی
 سامانه جامع حقوقی شرکت ملی نفت ایران «سحن»: تحولی راهبردی در حکمرانی حقوقی هوشمند صنعت نفت ایران
 سیدحجت‌الله علم‌الهدی، محمد مهدی اسدی
 اصول اساسی بیمه و نتایج آن بر قصد اضرار
 محمد کمالی، محمدعلی جهانی، حمیدرضا سلیمی
 واکاوی علل بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران
 سیداحمد پیروندیزی، امیررضا محمودی
 بررسی اعتبار و قابلیت استناد ابزارهای ارتباطی نوین در فرایند اثبات جرم در نظام حقوقی ایران
 علیرضا باقری حسن‌آبادی
 مسئولیت کیفری سردفتران اسناد رسمی: تحلیل چالش‌های قانونی و راهکارهای پیشگیرانه در نظام ثبتی ایران
 ایوب رحیمی
 مفهوم منفعت عمومی در پرتو فایده‌گرایی جان استوارت میل و مقایسه آن با اندیشه جرمی بنتام
 احمدرضا سلطانیان
 مسئولیت مدنی در قبال ربات‌ها و هوش مصنوعی: چالش‌ها و راهکارهای حقوقی در عصر فناوری‌های نوین
 جیران ابراهیمی
 سیاست‌گذاری حمایت مدار در قبال بزه دیدگی زنان در خانواده با تأکید بر تحولات جدید
 محبوبه طالبی رستمی
 تأثیر روانشناسی جنایی در ارتکاب جرم در حقوق ایران و فرانسه
 وحید کیومرثی
 مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی در مأموریت‌های خارجی
 مهدی قره‌داغی، مسعود سرفرازی صالح
 مطالعه فقهی و حقوقی شرط بازگشت موقوفه به ملک واقف
 حبیب‌الله عبدالله پور، حمیدرضا نام‌آور
 تحلیلی بر جنایت‌های محیط زیستی تجاوز ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران
 جواد چراغی
 تحلیل حقوقی نقش مشاوران املاک در حفظ حقوق مالکیت زمین و چالش‌های اجرایی آن در ایران
 محمد احمدی
 مقابله دادگاه کیفری بین‌المللی با گسترش جنایت داعش
 جواد دشتیان
 قابل استناد بودن کنوانسیون نیویورک در داوری تجاری بین‌المللی ایران و موافقتنامه داوری با تأکید بر مفهوم تجاری
 علی باباپور همراهلو، پویا بنی‌هاشم
 مالکیت و بهره‌برداری از آب‌ها در نظام حقوقی ایران
 احمد پدیدار، یاسر صیادپور
 حق فراموش شدن و آثار آن بر روابط قراردادی در بلاکچین‌های عمومی: تحلیل تطبیقی حریم خصوصی داده‌ها در حقوق ایران و اروپا
 عارفه قاسم زاده ده‌آبادی
 بررسی ماهیت حقوقی قرارداد ساخت، اجاره و انتقال (بی.ال.تی.)
 علی زارعی جلال‌آبادی
 نقش وکیل در تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری
 علیرضا درائی
 شناسایی و اولویت‌بندی عوامل سیاسی-اجتماعی موثر بر تکی‌گری در زاهدان
 محمدکمال دادرسی
 مسئولیت مدنی دولت نسبت به خسارات ناشی از اطلاع دادرسی
 علی فراحی
 تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها بر آزادی قراردادی در بازارهای خصوصی
 رامهر رحمانی گل‌افشان
 مروری تاریخی بر جرم‌انگاری در قبال جرائم نیروهای مسلح
 یاسر شاکری



Supportive Policymaking for Women's Victimization in the Family with an Emphasis on New Developments

Mahbobeh Talebi Rostami

PhD student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

سیاست گذاری حمایت مدار در قبال بزه دیدگی زنان در خانواده با تأکید بر تحولات جدید

محبوبه طالبی رستمی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

poeamin82@gmail.com

Abstract

Women play a very important role in the family and consequently in society; the role of motherhood, raising and educating children in the family, and general and specific obedience to the husband are among the most important duties of women in the family, which if they are properly fulfilled, society will also progress. In response to these important legal duties, women must also be provided with the necessary support so that they can fulfill these duties properly. Although the Islamic Penal Code approved and the Family Protection Law approved in have made progress in protecting wives compared to previous laws, there are still serious gaps in dealing with domestic violence; including ignoring marital discord and sexual violence against wives. In this study, using an analytical-descriptive method and with the aim of understanding the developments governing the regulation in the field of criminal protection of women, we have examined the process of developments in the drafting of the bill "Preventing Women from Being Injured and Promoting Their Security Against Abuse". The Family Protection Law approved, which dedicated its seventh chapter to criminal regulations in the field of family, should have paid more comprehensive attention to this type of protection. In these regulations, despite some new criminalizations such as failure to register a temporary contract for the first time and expanding the scope of criminalization of abandonment of alimony, there are also gaps such as the lack of criminalization of marital discord and sexual violence against the wife. It is better for the legislator to criminalize these cases in order to realize a differentiated criminal policy for the wife. It should also deprive the husband of some mitigating institutions in crimes committed against the wife, and even intensify his punishment. In addition to civil and restorative guarantees, criminal guarantees should also be considered in a combined and sequential manner in order to provide differentiated criminal protection for the wife.

Keywords: Women, Victimization, Family, Criminal Policy, Prevention.

چکیده

زن نقش بسیار مهمی را در خانواده و به تبع آن در جامعه ایفاء می‌کند؛ نقش مادری و رشد و تربیت فرزندان در خانواده و تمکین عام و خاص در برابر شوهر از جمله مهم‌ترین وظایف زن در خانواده می‌باشد که اگر به‌خوبی تحقق پیدا کنند، جامعه نیز پیشرفت خواهد کرد. در برابر این وظایف مهم قانونی، باید حمایت‌های لازم نیز از زن به‌عمل آید تا بتواند این وظایف خود را به‌خوبی ایفاء کند. اگرچه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ نسبت به قوانین پیشین پیشرفت‌هایی در حمایت از زوجه داشته‌اند، اما همچنان خلأهایی جدی در برخورد با خشونت‌های خانوادگی وجود دارد؛ از جمله بی‌توجهی به نشوز زوج و خشونت جنسی علیه زوجه. در این پژوهش، با روش تحلیلی-توصیفی و با هدف شناخت تحولات حاکم بر مقررگذاری در حوزه حمایت کیفری از زنان، روند تحولات تدوین لایحه «پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار» را مورد بررسی قرار داده ایم. قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ که فصل هفتم خود را به مقررات کیفری در حوزه خانواده اختصاص داده، بایستی به‌صورت جامع‌تر به این نوع حمایت توجه می‌کرد. در این مقررات با وجود برخی جرم‌انگاری‌های جدید مثل عدم ثبت عقد موقت برای اولین بار و توسعه قلمرو جرم انگاری ترک نفقه، خلأهایی نیز مثل عدم جرم‌انگاری نشوز زوج و خشونت جنسی علیه زوجه دیده می‌شود. بهتر است قانونگذار در جهت تحقق سیاست جنایی افتراقی از زوجه، این موارد را نیز جرم‌انگاری کند. همچنین زوج را در جرائمی که علیه زوجه مرتکب می‌شود از برخی نهادهای تخفیفی محروم سازد، حتی مجازات وی را تشدید کند. در کنار ضمانت‌اجراهای مدنی و ترمیمی به ضمانت‌اجراهای کیفری نیز به‌صورت ترکیبی و دنباله‌دار توجه کند تا حمایت کیفری افتراقی از زوجه به‌عمل آورد.

واژگان کلیدی: زنان، بزه دیدگی، خانواده، سیاست جنایی، پیشگیری.

Received: 2025/10/15 - Review: 2025/10/30 - Accepted: 2025/12/14

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ - بررسی مقاله: ۱۴۰۴/۱۰/۳۰ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۱۲/۱۴

ارجاع:

طالبی رستمی، محبوبه؛ (۱۴۰۴)، سیاست‌گذاری حمایت مدار در قبال بزه دیدگی زنان در خانواده با تأکید بر تحولات جدید، شماره ۲۵.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

سیاست کیفری افتراقی یا ویژه، مجموعه‌ای از اقدامات و تدابیر و شیوه‌های خاص پیشگیرانه می‌باشد که باید مدنظر قانونگذاران و سیاستمداران قرار گیرد تا از بزه دیده واقع شدن افراد خاص مثل زنان و کودکان که بیشتر از افراد معمولی جامعه در معرض بزه دیدگی هستند، جلوگیری شود. این نوع سیاست جنایی باید در همه ابعاد سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی لحاظ گردد. جرم‌انگاری‌های جدید یا کیفرانگاری حمایتی می‌تواند یکی از راهکارهای اعمال سیاست جنایی افتراقی باشد (عظیم‌زاده اردبیلی و ریاضت، ۱۳۹۴، ۴۶).

با توجه به جرایمی که ممکن است علیه بزه دیدگان خاص واقع شوند، می‌توان دست به جرم‌انگاری و اعمال مجازات‌های جدید زد. مثلاً آن جایی که جرم دارای جنبه سودجویانه است، باید کیفرهای مالی مناسبی پیش‌بینی کرد تا بزه‌کاران را از ارتکاب این جرایم منصرف ساخت. تشدید مجازات جرایم علیه بزه دیدگان خاص نیز می‌تواند راهکار دیگری برای اعمال سیاست جنایی افتراقی باشد؛ به گونه‌ای که مجازات‌های در نظر گرفته شده در قانون برای جرایم علیه بزه دیدگان خاص را تشدید کرد. مثلاً درجه حبس در نظر گرفته شده برای بزه دیدگان معمولی، در صورتی که بزه دیده خاص وجود داشته باشد که تحت سیاست جنایی افتراقی قرار می‌گیرد، افزایش یابد. محروم کردن بزه‌کاران از نهادهای تخفیفی موجود در قانون، از دیگر روش‌های اعمال سیاست جنایی افتراقی است. مثلاً بزه‌کار را از اعمال تعلیق مجازات، آزادی مشروط، تبدیل مجازات و هر گونه تخفیف قانونی محروم کرد (عظیم‌زاده اردبیلی و ریاضت، ۱۳۹۴، ۴۷).

زوجه نیز یکی از افراد بالقوه آسیب‌پذیر در برابر بزه‌کاران است که در معرض تهاجم و خشونت و توهین در محیط خانواده قرار دارد. بنابراین، زوجه نیز باید تحت سیاست جنایی افتراقی قرار بگیرد و سیاست‌های لازم برای پیشگیری از بزه دیده واقع شدن زوجه در قانون در نظر گرفته شود (عظیم‌زاده اردبیلی و ریاضت، ۱۳۹۴، ۴۷). زنان اگر دستگاه قضایی و سیستم عدالت کیفری را مأوا و پناهگاهی امن برای خود ببینند، جرایم ارتكابی علیه خود را گزارش خواهند داد (کریزی، ۱۳۹۶، ۶). اما اگر قانون با منظرگاه ادبیات و فرهنگ جنسیتی توسط مفسران و قانونگذاران مرد وضع شود، یا خوف مراجعه به پزشکی قانونی به دلیل حضور اکثریت پزشکان مرد در آن، بین زنان وجود داشته باشد، بازجویی‌های زجرآور و طولانی همیشگی حاکم باشد، انجام معاینات پزشکی در صورت شکایت از سوی زوجه و اجتناب وی از آن و همچنین نوع نگاه خاصی که عرف بعد از مراجعه زوجه به مراجع قضایی نسبت به وی دارد، زوجه را مأیوس کرده و ادامه زندگی با زوج را در بدترین شرایط، به شکایت علیه وی و گزارش جرم و خشونت ترجیح خواهد داد.

امروزه در قوانین کیفری، با عدول مثبت از اصل تساوی افراد، می‌توان به حمایت کیفری افتراقی از زوجه پرداخت. برای دفاع از بزه دیدگان بالقوه آسیب‌پذیر نظیر زوجه، عدول از اصل تساوی منطقی است (کریزی، ۱۳۹۶، ۶). در قوانین کیفری ایران، هرچند که بارقه‌هایی از حمایت کیفری افتراقی از زوجه به صورت پراکنده دیده می‌شود^۱، اما در برخی موارد نه تنها از اصل تساوی افراد عدول نشده، بلکه به خود اصل هم خدشه وارد شده است^۲ و زوجه از حمایت کیفری مشابه با زوج محروم بوده است. علت این که در بحث جنایات در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از اصل تساوی افراد عدول شده، وضع آن بر اساس احکام فقهی و تفاسیر فقهاء است که امروزه با توجه به اقتضائات زمانی، نیازمند بازبینی است (کریزی، ۱۳۹۶، ۸). قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ تا حدودی به لزوم حمایت کیفری افتراقی از زوجه پایبند بوده و برخی جرائم علیه زوجه را که غالباً از سوی زوج قابل ارتکاب هستند پیش‌بینی کرده، اما خلاءهایی نیز در آن دیده می‌شود که نیازمند اصلاح و بازبینی است.

۱- ماده ۴۲ و ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

۲- ماده ۵۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

با عنایت به اهمیت موضوع، سوال اصلی و فرعی این پژوهش عبارت است از: اول- لایحه جدید پیشگیری از آسیب دیدگی زنان از چه تحولاتی برخوردار شده است؟ دوم- بزه دیدگی زنان به چه معنا است؟ فرضیاتی که می توان در نظر گرفت عبارتند از: اول- به نظر می رسد لایحه جدید پیشگیری از آسیب دیدگی زنان از حمایت گذاری کیفی افتراقی و هدفمند برخوردار شده است. دوم- بزه دیدگی زنان به معنای بزه دیده واقع شدن زنان در محیط های مختلف خانواده، شغلی و... است. در این راستا این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی سیاستگذاری افتراقی حمایت مدار در قبال بزه دیدگی زنان پرداخته است.

۱- بزه دیده شناسی زنان

مسئله خشونت علیه زنان پیش از آن که یک مسئله خانگی، محلی، شهری، کشوری یا منطقه ای باشد، یک مسئله جهانی است. جهانی شدن معضلات و مشکلات حداقل دستاورد جهانیگری است، قدرت هایی که بر طبل جهانیگری می کوبند هرگز و هرگز در پی آن نیستند که راه ثروت اقتصادی و راز پیشرفت علمی خود را گسترش دهند و رفاه، آسایش و بهره مندی مردم را جهانی کنند. اما برای جهانی کردن مشکلات و معضلات از هیچ کوششی فروگذاری نمی نمایند تا در هرچه خود دست و پا می زنند بقیه مردم جهان هم دست و پا بزنند و به همین جهت موضوع خشونت، خواه در مفهوم عام و انسانی آن و خواه در مفهوم خاص آن یعنی خشونت علیه زنان، از این تحمیل جهانی جدا نیست. کشور ما نیز به دلایل متنوعی همچون پیکره مذهبی و سنتی مردم و نظام فقهاتی حکومت دارای سازوکارهای خاص این نظام می باشد که طبعاً از انتقاد میرا نیست. یکی از موارد مهم و بحث برانگیز در جامعه بحث زنان و خشونت علیه آنان به طرق مختلف می باشد (ابراهیمی و یاری خواه، ۱۴۰۲، ۲۴).

در این نوشتار سعی می شود بعد از تبیین اجمالی مبحث بزه دیده شناسی زنان^۳ به بیان سازوکارهای موجود در باب مقوله خشونت علیه زنان و اقدامات نهادهای مسئول و سازمان های غیردولتی همراه با ذکر نمونه هایی از عملکرد کشورهای دیگر در این مورد پرداخته و نهایتاً خلاءهای موجود در مورد حمایت از زنان خشونت دیده^۴ را با ارائه راهکارها و پیشنهادهایی به نقد بکشیم.

3- Victimology of Women

۲- شناخت دیدگاه‌های اولیه در تدوین لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار

آن چه که نیروی محرکه قانونگذاری در حوزه زنان در سال ۱۳۹۰ بوده است و منجر به تدوین اولین متن شده است سخنرانی مقام معظم رهبری و تأکید ایشان در حمایت از زنان بوده است. در مرحله آغازین تدوین لایحه در حمایت از زنان در برابر خشونت در سال ۱۳۹۰، رویکرد حمایتی از بزه‌دیدگان زن مدنظر بوده است؛ یعنی توجه به زنان به عنوان بزه‌دیدگان نیازمند به توجه و لزوم به کارگیری سیاست جنایی افتراقی در رابطه با آنان. در متن اولیه شاهد یک مقدمه توجیهی ذیل عنوان «مبنا» هستیم که این مقدمه با اشاره به آیات قرآنی لزوم معاشرت همراه با نیکی و پرهیز از خشونت نسبت به زنان را به عنوان مبانی توجیهی تدوین لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت بیان می‌کند. سپس در ذیل عنوان «اهداف» پس از هدف تأمین امنیت و صیانت از کرامت بانوان به هدف تحکیم مبانی خانواده و حفاظت از کیان آن نیز اشاره می‌کند و محتوای اهداف پنج گانه بعدی نیز صراحتاً بیان شده است.

حقوق کیفری ذاتا غیرشخصی است و تعریف فنی جرایم و مجازات‌ها برای همه تابعان حقوق کیفری یکسان است. اما در مرحله عمل و اجرا در طول فرآیند کیفری ممکن است در پرتو ملاحظات فرهنگی و حقوقی از سوی ضابطان قضایی و دادرسان تا اندازه‌ای شخصی، موردی یا فردی شود. این تفاوت‌گذاری مثبت یا منفی نسبت به جنس زنانه را می‌توان در سطح قانونگذاری کیفری برخی از کشورها نیز مشاهده کرد (اتنهف، ۱۳۸۴، ۱۱۲). نگاه حمایتی قانونگذار درباره بزه‌دیدگان زن نیز در تعریف و موضوع برخی از جرم‌های خاص متبلور است (اتنهف، ۱۳۸۴، ۱۱۳). بنابراین، بررسی تحولات مطالعات جرم‌شناختی در حوزه زنان نشان می‌دهد که زنان در ابتدا در مباحث جرم‌شناختی به لحاظ جنسیت به عنوان مجرمینی که نیازمند واکنش‌های متفاوتی هستند مورد بحث قرار می‌گیرند اما به تدریج زنان در مباحث با محوریت بزه‌دیدگی و به عنوان بزه‌دیدگان نیازمند حمایت مورد توجه قرار می‌گیرند و این امر در قوانین نیز متبلور می‌گردد.

در سطح بین‌المللی نیز اسناد متعددی به جرم‌انگاری‌های خاص حمایتی در خصوص زنان پرداخته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و نخستین پروتکل الحاقی به کنوانسیون ملل متحد علیه جرم سازمان یافته فراملی مصوب ۲۰۰۰ میلادی با عنوان «پیشگیری، سرکوب و

مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان» اشاره کرد. این پروتکل در مورد قاچاق اشخاص است. این عنوان کلی ناشی از ضرورت عدم تبعیض میان انسان‌ها بر اساس سن یا جنس است. ولی در این مورد نباید اشتباه کرد زیرا، پیش از هر چیز زنان و کودکان مورد نظر اند. دلیل آن نیز روشن است. زیرا زنان و کودکان به لحاظ آسیب‌پذیر بودن در واقع نخستین و بیشترین بزه‌دیدگان این پدیده‌اند (انتهف، ۱۳۸۴، ۲۸). بنابراین، زمانی که نویسندگان لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت قدم در راه تدوین لایحه گذاشته‌اند در آغاز مسیر با توجه به آن چه که در بخش مبانی لایحه آورده شده است، حمایت از زنان به عنوان بزه‌دیدگانی که نیازمند حمایت هستند را مدنظر خود قرار داده‌اند و بر این اساس دست به جرم‌انگاری‌های جدید زده‌اند. بر این اساس شاهد تدوین ماده‌هایی هستیم که رفتارهای صورت گرفته از سوی زوج علیه زوجه را نیز جرم‌انگاری نموده است. زمانی که بحث از بزه‌دیدگی زنان و لزوم حمایت از آنان می‌شود با دو گستره متفاوت مواجه هستیم، که جرم‌انگاری در هر یک از این دو گستره چالش‌های متفاوتی دارد. از یک طرف با جرایمی مواجه هستیم که در جامعه و در محیط‌های اجتماعی و خصوصاً محیط‌های شغلی علیه زنان ارتکاب می‌یابند و از سوی دیگر جرایمی مطرح می‌شوند که در محیط خانواده از سوی زوجه و بستگان علیه زنان ارتکاب می‌یابند.

۳- حمایت کیفری از زنان در سطح اجتماع

۳-۱- حمایت در متن اولیه لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار

در متن اولیه لایحه شاهد جرم‌انگاری‌هایی در حمایت از جرایم علیه زنان در حوزه اجتماع و برآورده ساختن این هدف خصوصاً در ماده‌های ۳۷ تا ۵۰ از جوانب گوناگون هستیم. رفتارهایی همچون ارسال پیام‌های نامتعارف، درخواست یا پیشنهاد برقراری رابطه نامشروع با بانوان خصوصاً در محیط کار، ارتکاب رفتاری که برخلاف مقررات منجر به کشف اجباری حجاب زن گردد و زدن عمدی بدن خود به بدن یک زن و یا هر نوع تماس بدنی از جمله مواردی هستند که قانونگذار در راستای اهداف حمایت از زنان در جامعه در متن اولیه موضوع جرم‌انگاری قرار داده است.

۳-۲- حمایت کیفری از زنان در محیط خانواده در متن اولیه لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار

در حوزه زنان از سوی دیگر ما با جرایمی مواجه هستیم که در محیط خانواده زنان را قربانی خود می‌کنند. این جرایم اغلب ذیل بحث «جرایم علیه خانواده» مورد بحث قرار می‌گیرند. جرایم علیه خانواده، مصادیق متعددی دارد که کلیه جرایم علیه اعضاء یک خانواده را دربرمی‌گیرند اما غلبه در آن‌ها بر جرایمی است که مردان نسبت به همسران خود در شکل خشونت‌های فیزیکی و یا روانی یا حیثیتی یا مالی مرتکب می‌شوند و از منظر جرم‌شناسی دارای حساسیت‌های مخصوصی است که در حوزه جرم‌زدایی و یا جرم‌انگاری مورد بحث قرار می‌گیرند. از ختنه زنان، ترجیح جنسی پیش از زایمان، تجاوز زناشویی و ازدواج اجباری به عنوان مهم‌ترین مصادیق خشونت علیه زنان در خانواده یاد شده است (میرشفیعیان، ۱۴۰۱، ۸۹).

یکی از مهم‌ترین عوامل بزه‌دیدگی زنان در محیط خانواده، پذیرش خشونت خانگی به عنوان امری طبیعی و دادن صبغه خصوصی به این رفتارها در قانون می‌باشد. وجود قوانین تبعیض آمیز در نظام قانونگذاری ما عامل قانونی مهمی در اعمال خشونت علیه زنان در خانواده می‌باشد. رویکردهای تبعیض آمیز به مردان این اجازه را می‌دهند تا در تعامل با همسر، زنان و دختران خانواده از هر شیوه‌ای استفاده کرده و زمینه خشونت علیه زنان را فراهم نمایند.

نمونه بارز این احکام نصف بودن دیه جنایات وارده بر نفس و عضو زنان در مقایسه با مردان می‌باشد هرچند قانونگذار در تبصره ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اندکی از این چهارچوب عدول کرده است. مطالعات نشان می‌دهد که میان اعمال رفتارهای خشونت آمیز بر زنان و تفاوت دیه آنان با مردان رابطه علیت وجود دارد لذا حقیقت آن می‌باشد که چنین بینشی از سوی قانونگذار همواره با سوءبرداشت‌هایی در میان آحاد جامعه همراه می‌باشد که زمینه‌های تحقیر جایگاه حقوقی زنان را از دید عموم فراهم نموده و حتی با تلقین آن به زنان قدرت مقابله را از آنان سلب می‌کند. همچنین، ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ دفاع از ناموس را صرفاً برای مردان به رسمیت شناخته است به عقیده برخی بر ایجاد فرهنگ خشونت علیه زنان موثر است (مهدوی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۳۵).

پاسخ به این پرسش که آیا حقوق کیفری لازم است در حوزه وظایف و تکالیف خانوادگی وارد شود امری است که پاسخ مثبت و یا منفی به آن ما را با چالش‌هایی از هر دو جنبه مواجه می‌سازد. جرم

شناسان و حقوقدانان در خصوص ورود و یا عدم ورود حقوق کیفری به این حوزه اختلاف نظر دارند و این پرسش وجود دارد که آیا نظام عدالت کیفری در امر مبارزه با خشونت‌های خانوادگی دارای ساختار مناسبی است یا خیر؟ در پاسخ دو دیدگاه مطرح است که در نخستین دیدگاه با رد مقابله با سوءرفتار علیه زنان با توسل به قوانین کیفری، بر سازش و میانجیگری و یا روش‌های درمانی و یا خدمات رفاهی تاکید کرده و دخالت قانون از طریق بازداشت، تعقیب و مجازات را مردود شناخته است، همچنین توسل به قوانین کیفری را تنها در شدیدترین موارد خشونت و به مثابه آخرین حربه در نظر گرفته است.

دومین دیدگاه درگیری خانوادگی را جرم تلقی کرده است. طرفداران این نظریه خواهان برخورد با خشونت علیه زنان به شیوه مشابه برخورد با جرایم دیگر هستند. طرفداران دیدگاه برخورد کیفری مدعی اند که رسیدگی جزایی در زمینه سوءرفتار آن گونه که فعلا صورت می‌گیرد ممکن است ناقص باشد. به اعتقاد آنان این امر صرفا بازتاب آن دسته از ارزش‌های اجتماعی است که در طی تاریخ موجب کتمان وجود خشونت نسبت به زنان در محیط خانه و یا کم اهمیت شمردن آن شده است. به عقیده این گروه بازداشت، تعقیب، محکومیت و مجازات فرآیندهایی اند که آشکارا نشان از محکوم شدن رفتار فرد خاطی از سوی جامعه و تاکید بر مسئولیت شخصی وی در قبال اعمال و رفتارش دارد. این گونه برخوردها نشان خواهد داد که وقوع جرم در خانه تنها یک مشکل اجتماعی نبوده و جرمی همانند دیگر جرایم است. بدین ترتیب منافع قربانی جرم را در مرکز توجهات خود قرار داده و تاکید می‌کنند که حمایت از وی نباید تحت الشعاع مسئله حفظ بنیان خانواده و یا روابط موجود قرار گیرد (معظمی، ۱۳۸۳، ۲۲۹).

به رغم این دسته از اختلاف نظرها در خصوص موضوع اما در بسیاری از موارد حقوقدانان معتقدند که بسیاری از آسیب‌های موجود در حوزه خانواده به حدی خطرناک است که واکنش کیفری نسبت به آن خود به نوعی حمایت از کیان خانواده به طور کلی است. بر این اساس است که به رغم مخالفت‌های بسیار جرم شناسان از ورود حقوق کیفری به حوزه خانواده، شاهد مقرره‌های کیفری در حوزه ترک انفاق، عدم ثبت واقعه ازدواج و طلاق، فریب در ازدواج و همچنین مقرراتی در خصوص امکان سکونت جدا از همسر برای تامین امنیت جانی زوجه و استقلال اقتصادی زوجه هستیم. سیاست جنایی ایران با انحرافات جنسی عموماً و خشونت و آزار جنسی خصوصاً به شدت برخورد می‌کند (عطاشنه و همکاران، ۱۳۹۱، ۹۹).

ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ حمایت از زنان باردار را مورد

توجه قرار می‌دهد که امکان ارتکاب آن از سوی زوج نیز وجود دارد. مطابق ماده ۴۹ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی می‌باشد و مرد از ثبت آن تحت شرایط قانونی امتناع می‌کند و همچنین مردی که برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ازدواج نماید به ضمانت اجرای کیفری تعیین گردیده محکوم خواهد شد. طبق تبصره ماده ۵۰ قانون فوق، هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسئول نگهداری و مراقبت و تربیت زوج در ارتکاب جرم موضوع ماده ۵۰ تأثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌گردند. علاوه بر این موارد، ماده های ۵ و ۶ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶ نیز قابل ذکر است که در این موارد رابطه زوجیت، مانع از اعمال مجازات مرتکب نمی‌گردد.

با وجود این، بسیاری از مواد مورد اشاره در کلیت خود نه قواعد حمایتی از زنان در محیط خانواده بلکه از نظر حقوقدانان نوعی مداخله حقوق کیفری در حوزه خانواده به منظور حفظ کیان خانواده به عنوان هسته و نهاد بنیادین جامعه است. به عنوان نمونه ترک نفقه به جهت جلوگیری از استیصال و عسرت اعضای آن، به عنوان یک جرم تعزیری در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ پیش بینی شده است. اما از این حمایت‌های سنتی و حداقلی که بگذریم، حقوق کیفری ایران، خشونت‌های خانگی از جمله خشونت‌های زوجین علیه یکدیگر، اعم از فیزیکی، گفتاری، رفتاری و بی توجهی را جرم انگاری نکرده است (اتنهف، ۱۳۸۴، ۲).

موارد مورد اشاره و نیز رفتارهایی که به طور عام در قوانین کیفری جرم انگاری گردیده‌اند، کافی و موثر نمی‌باشند و تمامی جنبه‌های خشونت در محیط خانواده را با توجه به مصادیق و پیامدهای خشونت دربر نمی‌گیرند. به طور خاص قوانین ایران در قبال خشونت جنسی ارتكابی از سوی شوهر ساکت‌اند (نعمتی و فرجیها، ۱۴۰۲). بر این اساس شاهد بودیم که لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت در ماده ۳۲، تبصره ماده ۳۶ و در مبحث چهارم تحت عنوان جرایم علیه حقوق و تکالیف خانواده از ماده ۵۱ تا ۶۴ به جرم انگاری‌هایی دست زده بود که با هدف حمایت از زنان در محیط خانواده تدوین یافته‌اند. این ماده ها به جرم انگاری مصادیق خشونت علیه زوج پرداخته اند و یا تأکید بر تشدید مجازات عاملان برخی از جرایم شده است. مواردی نظیر اخراج زوج از محل زندگی مشترک یا ممانعت از ورود وی به منزل، ازدواج مبادله‌ای و خون بس، طلاق اجباری، تهدید و اجبار زن به انجام اعمال مغایر با شان او،

تحقیر مکرر زوجه توسط شوهر، جرم انگاری خاص در خصوص تشویق، ترغیب، تحریک، تطمع یا اکراه زن به استعمال مواد مخدر، روانگردان، مشروبات الکلی یا وارد کردن زوجه به تکدی گری و تشویق ترغیب، تحریک، تطمع یا اکراه به سقط جنین از آن جمله اند (شریعتی و همکاران، ۱۴۰۲، ۵۷۴).

دیدگاه غالب در تدوین این ماده ها آن بود که اگرچه با توجه به ماهیت وجودی و انگیزه اصلی از تشکیل نهاد خانواده و همچنین کارکردهای آن در جامعه در استفاده از ضمانت اجراهای رسمی و خصوصاً کیفری در انتظام بخشیدن به آن باید دقت بیشتری به خرج داده شود اما باید توجه کرد که در مواردی با رفتارهای کاملاً مغایر با اهداف و ویژگی‌های این نهاد مواجه هستیم که لازم است با توسل به پاسخ‌های کیفری در راستای حمایت از دو امر بر آئیم؛ پیش از هر چیز حمایت از افراد و در ادامه حمایت و ایجاد بازدارندگی عام در حمایت از نهاد خانواده و تثبیت ارزش‌های حاکم بر آن. استفاده از پاسخ‌های کیفری اگرچه از سویی در نهادی همچون نهاد خانواده توصیه نمی‌گردد زیرا رفتارها در این حوزه ماهیت شخصی و خصوصی دارد و احتمال آن وجود دارد که برخوردهای کیفری رابطه اعضاء خانواده را به سمت انتقام جویی برده و در حل مشکلات یاری رسان نباشد اما از دیگر سو اقدام به جرم انگاری و ایجاد یک سیاست جنایی افتراقی و متناسب می‌تواند موجب ارزش‌ها و به علاوه بیانگر اهمیت حفظ کارکردهای آن باشد که بر اساس اصول مختلف جرم انگاری نوع و شکل آن قابل بحث است (شیخ بهایی و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۵۳).

یکی از اصول تجویزکننده تحدید آزادی افراد در الگوی جرم انگاری لیبرالیسم، پدرسالاری است که به لزوم ایجاد محدودیتی فراتر از جلوگیری از زیان به دیگران اعتقاد دارند؛ مانند الزام به یادگیری، حفظ سلامت و بهداشت، الزام به انجام کار و کسب درآمد و یا لزوم احترام به یکدیگر. در چنین مواردی، تحدید آزادی افراد با توسل به منافع، خود فرد توجیه می‌شود. از دیدگاه برخی از حقوقدانان ورود به حوزه حقوق خانواده و جرم انگاری و ایجاد ضمانت اجرای کیفری در این حوزه بر مبنای این اصل توجیه می‌گردد (مقدسی و یزدانی، ۱۳۹۷).

۴- تحولات آخرین متن لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار در حوزه جرم انگاری

دیدیم که در متن اولیه تهیه شده و در مراحل آغازین «زنان-بانوان» به عنوان موضوعاتی که نیازمند تامین

امنیت و حمایت هستند مورد توجه قرار گرفته‌اند اما در این بخش خواهیم دید که در یک سیر تحول تمرکز از موضوع «زنان» به سمت «خانواده» و تدوین لایحه به نحوی که به کیان خانواده صدمه وارد نکند، حرکت کرده است.

فرآیند تصویب لایحه همواره با این انتقاد مواجه بوده است که متن اولیه بدون در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و ایدئولوژیکی جامعه ایرانی و با تاثیر از دیدگاه‌های غربی و خصوصا کنوانسیون منع هرگونه تبعیض علیه زنان تدوین یافته است. کنوانسیون که پیوستن به آن در جامعه علمی مباحثی را مطرح کرده و موافقان و مخالفان در این خصوص نظریاتی ارائه کرده و گاهی راه حل‌ها و تفاسیری از مباحث کنوانسیون از دیدگاه‌های مختلف ارائه گردیده است (همایون مصباح، ۱۳۹۱). لذا این انتقادات لایحه را با تحولاتی مواجه کرده است. در آخرین متن اصلاح کنندگان لایحه با تمرکز بر نظریه دخالت حداقلی کیفری در حوزه خانواده و با اولویت بخشی به اقدامات پیشگیرانه غیر کیفری، اقدام به حذف موادی نموده‌اند که رفتارهای خشونت آمیز ارتكابی در محیط خانواده و از سوی زوج علیه زوجه را جرم انگاری می‌نمود. این تفاوت نگاه در موضوع مورد حمایت لایحه و اهداف، هم در تغییر صورت گرفته در عنوان و هم در جایگزینی ماده اول در خصوص اهداف در متن اولیه با ماده‌های ۲ و ۳ در خصوص اقدامات پیشگیرانه و حمایتی قابل مشاهده است.

اما مسئله حائز اهمیت این است که به رغم این که تدوین کنندگان آخرین متن با تغییر در نگاه به موضوع و با دیدگاه دخالت حداقلی حقوق کیفری در آسیب‌های حوزه خانواده اقدام به حذف بسیاری از عناوین مجرمانه نموده‌اند اما در جهت هدف مورد تصریح خود یعنی محور قراردادن خانواده اقدام موثری صورت نداده‌اند و حتی در نوع اقدامات پیشگیرانه غیر کیفری پیش بینی شده شاهد اقدام موثر و متناسبی در این خصوص نیستیم. لذا می‌توان گفت که این تفاوت در موضوع مورد حمایت، در سطح تغییر عنوان لایحه و حذف جرایمی که احتمال ارتكاب آن از سوی زوج علیه زوجه وجود دارد و خود صدمه جدی به استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی وارد می‌نماید، باقی مانده است.

در مقایسه با متن اولیه، در آخرین متن ماده‌های ابتدایی شکل متفاوتی به خود گرفته است. در آخرین متن شاهد یک مقدمه توجیهی و یا بیان مبانی به شکل پیش بینی شده در متن اولیه نیستیم و لایحه ذیل عنوان قواعد عمومی ابتدا گستره بحث را تذکر داده و سپس در تبصره اول ماده اول با ارجاع به اصل

دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صراحتاً اولویت بحث حفاظت از خانواده را بر پیگیری حقوق زنان اعلام می‌دارد. به عبارتی اقدامات قانون در راستای پیشگیری از سوءرفتار علیه زنان با اولویت حمایت از نقش مادری و حفظ قداست خانواده صورت می‌گیرد.

شکل تنظیم ماده‌های قانون، تقدم و تاخر در بیان موضوعات و یا ذکر یا عدم ذکر برخی موارد در قانون نویسی دارای اثر است. همچنین ماده‌هایی که ذیل عنوان «اصول» و یا «مبانی» در قانونگذاری تذکر داده می‌شود دارای اهمیت تفسیری است. قانونگذار در زمان تصویب ماده‌های قانونی همواره قادر به پیش بینی کلیه مسائل و رفع کلیه ابهامات نیست و همواره قوانین در مرحله اجرا با ابهاماتی مواجه می‌گردند. در مقام تفسیر و رفع این ابهامات اصول حاکم بر قانون که مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته است از اصلی‌ترین ابزارهای دستیابی به یک تفسیر مطابق با روح قانون است. در نظام حقوقی کشورهای مختلف دنیا قانونگذار با ذکر اصول و اهداف خود نقشه مسیر را در موارد ابهام و یا جدید نشان می‌دهد. دیوان اروپایی حقوق بشر در آراء خود و تفسیر ماده‌ها و یا تطبیق مصادیق به کرات به اصول مندرج در مقدمه منشور اروپایی حقوق بشر به عنوان روح حاکم بر منشور اشاره کرده است.

عمده ایرادی که به جرائم پیش‌بینی شده در متن اولیه وارد شده است، صدمه به کیان خانواده است. با این توجیه که بسیاری از رفتارهایی که در متن اول به عنوان جرم مطرح شده‌اند، در ابعاد وسیع خود به کیان خانواده و یکپارچگی آن صدمه وارد می‌نماید. از دیدگاه بسیاری از جرم‌شناسان خانواده به عنوان هسته اولیه هر جامعه نیازمند به کارگیری اقدامات پیشگیرانه و سپس در مراحل بعدی حل مشکلات ایجاد شده در آن نیازمند اقدامات غیر کیفری و غیر رسمی است لذا بسیاری از جرم‌انگاری‌ها در حمایت از زنان در حوزه خانواده و یا حتی اقداماتی که تحت عنوان اقدامات پیشگیرانه از خشونت علیه زنان مطرح می‌گردد، پاسخ‌هایی هستند که در ابعاد گسترده خود کیان خانواده را تحت تاثیر قرار می‌دهند. البته جرم‌شناسان و حقوقدانان ورود حقوق کیفری به حوزه خانواده را در مصادیقی همچون جرم‌انگاری ازدواج دائم و یا طلاق بدون ثبت، ازدواج با دختر زیر سن نکاح، ترک انفاق و... را با توجیه برقرای نظم در جامعه و حفظ حقوق اعضای خانواده را قابل توجیه می‌دانند (اسدی، ۱۴۰۳، ۷۰).

نتیجه

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی است ... زن در چنین برداشتی از خانواده، از حالت شیء بودن و یا ابزار کار بودن در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار خارج شده و ...» که با این تعریف، خانواده را باید کوچک‌ترین، بنیادی‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی به‌شمار آورد. نهاد خانواده همواره مورد تأیید جامعه بوده و افراد حوزه عمومی اعم از دولت یا جامعه مدنی، آن را به رسمیت می‌شناسند. زن نقش بسیار مهمی را در خانواده و به تبع آن در جامعه ایفاء می‌کند؛ نقش مادری و رشد و تربیت فرزندان در خانواده و تمکین عام و خاص در برابر شوهر از جمله مهم‌ترین وظایف زن در خانواده می‌باشد که اگر به‌خوبی تحقق پیدا کنند، جامعه نیز پیشرفت خواهد کرد. در برابر این وظایف مهم قانونی، باید حمایت‌های لازم نیز از زن به‌عمل آید تا بتواند این وظایف خود را به‌خوبی ایفاء کند.

زوجه از افراد بالقوه آسیب‌پذیر در برابر بزه‌کاران بوده که به‌دلیل تفاوت فیزیکی و جنسی در معرض انواع خشونت‌های فیزیکی و روانی از سوی زوج قرار دارد. امروزه رقم سیاه جرایم علیه زوجه بسیار بالا است که علت آن می‌تواند دلایل متعدد باشد، از جمله این که زوجه، زوج را همچنان یکی از اعضای خانواده می‌داند، ترسی که از تهدیدها و فشارهای زوج دارد، حفظ حیا، عفت و آبروی خویش، دوری از طلاق و تلاش برای حفظ کانون خانواده، ترس از بلا تکلیفی فرزندان بعد از طلاق، همچنین دستگاه عدالت قضایی را به‌دلیل حضور اکثریت مردان، برای خود امن نمی‌داند و از گزارش جرایم علیه خویش به پلیس خودداری می‌کند. بنابراین، بایستی قانونگذار به این موارد توجه کند و در جهت حمایت کیفی افتراقی از زوجه قدم‌های مؤثرتری بردارد.

باید تأکید کرد که حمایت کیفی افتراقی از زوجه تنها با تقویت قوانین محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند همکاری نهادهای اجرایی، قضایی و مدنی است. ایجاد مراکز ویژه حمایت از زنان بزه دیده، آموزش قضات و پلیس در برخورد با پرونده‌های خانوادگی و تسهیل دسترسی زنان به مشاوره حقوقی رایگان از جمله اقدامات عملی است که می‌تواند کارایی قوانین را افزایش دهد. تنها با چنین رویکرد جامعی می‌توان به کاهش بزه دیدگی زنان و تحقق عدالت جنسیتی در خانواده امیدوار بود.

قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ که فصل هفتم خود را به مقررات کیفی در حوزه خانواده

اختصاص داده، بایستی به صورت جامع تر به این نوع حمایت توجه می کرد. در این مقررات با وجود برخی جرم‌انگاری‌های جدید مثل عدم ثبت عقد موقت برای اولین بار، توسعه قلمرو جرم انگاری ترک نفقه، خلاءهایی نیز مثل عدم جرم‌انگاری نشوز زوج و خشونت جنسی علیه زوجه دیده می‌شود. بهتر است قانونگذار در جهت تحقق سیاست جنایی افتراقی از زوجه، این موارد را نیز جرم‌انگاری کند. همچنین زوج را در جرایمی که علیه زوجه مرتکب می‌شود از برخی نهادهای تخفیفی محروم سازد، حتی مجازات وی را تشدید کند. در کنار ضمانت‌اجراهای مدنی و ترمیمی به ضمانت‌اجراهای کیفری نیز به صورت ترکیبی و دنباله‌دار توجه کند تا حمایت کیفری افتراقی از زوجه به عمل آورد. در کنار رعایت اصل ضرورت، اصل احتیاط و کمینه‌گرایی حقوق کیفری در وضع ضمانت‌اجراهای کیفری در حوزه خانواده، حمایت کیفری افتراقی از زوجه به عنوان یکی از افراد بالقوه آسیب‌پذیر جامعه امری اجتناب‌ناپذیر است که بایستی قانونگذاران به آن توجه ویژه‌ای داشته باشند.

لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار، در تحولی قریب به بیش از یک دهه، با متن اولیه که با هدف مبارزه با خشونت علیه زنان تدوین یافته بود تفاوت‌های بنیادین دارد. همواره این انتقاد بر تدوین کنندگان اولین متن وارد بوده است که تحت تاثیر هیجانات اجتماعی و تأمین حوائج نیروهای خاص عمل نموده‌اند و فضای سیاسی و بین‌المللی منجر به تدوین برخی ماده‌ها در متن اولیه شده است. با تحول در اهداف و موضوعات مورد حمایت و از همه مهم تر نوع حمایت و ورود حقوق کیفری به حوزه خانواده، آخرین لایحه با اولویت بخشی به هدف پیشگیری تدوین و تصویب شده است و با تغییر در عنوان و مبانی و اهداف غایت نهایی آن حفاظت از «نهاد خانواده» معرفی شده است. بر این اساس است که شاهد موارد محدود از جرم انگاری با محوریت زنان و حذف جرایمی هستیم که با هدف حفاظت از زنان در برابر خشونت‌های صورت گرفته در خانواده مقرر شده بوده‌اند و به رغم تحولات صورت گرفته در متن لایحه ما شاهد مقررگذاری‌های متفاوتی با هدف حمایت از خانواده چه در حوزه جرم انگاری و تعیین مجازات و چه در شکل اقدامات پیشگیرانه خاص این حوزه نیستیم.

اگر قانونگذار در پی برآورده کردن اهداف فعلی مصرح در لایحه است، بهتر آن است که متناسب با عنوان آخرین متن لایحه، در لایحه به مواردی که جنبه پیشگیرانه غیر کیفری دارد بپردازد و مواردی که اقدام به وضع مقرره‌های کیفری نموده است از لایحه حذف گردد و مشابه ماده ۲۸ لایحه، تبصره و یا

بندهایی به ماده های مرتبط با هر موضوع در قوانین سابقاً موجود از جمله قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ و قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ اضافه نموده و اقدام به تعیین پاسخ‌های افتراقی نسبت به زنان به عنوان بزه‌دیدگان نیازمند حمایت نماید.

ماده ۲۹ لایحه در خصوص عدم اجرای قصاص به هر علت در قتل عمد زنان قابل ادغام در ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ است. ماده ۳۰ لایحه در خصوص ارسال پیام و تصویر و نماد مستهجن به زنان قابل درج در قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ به صورت ماده ۷۴۵ مکرر است. ماده ۳۱ لایحه در خصوص اکراه زنان به ارتکاب جرم مستوجب حد امکان اضافه شدن به ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را دارد. ماده ۳۲ لایحه در مورد پیشنهاد برقراری رابطه نامشروع امکان اضافه شدن به ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ با موضوع روابط نامشروع مادون زنا را دارد. ماده های ۳۳ و ۳۴ لایحه در خصوص بیرون کردن زن از محل زندگی مشترک و ازدواج اجباری زن امکان اضافه شدن به مقررات کیفری قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ را دارد. ماده ۳۵ لایحه در باب معاونت در فرار زن از محل سکونت امکان اضافه شدن به بندهای ماده ۶۴۴ ق.م.ا (تعزیرات) با موضوع تزویج زن شوهردار و ماده ۳۶ در باب معاونت در استعمال مواد مخدر و روانگردان و تکدی گری امکان اضافه شدن به ماده ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ با موضوع تکدی گری را دارد. ماده ۳۷ لایحه در خصوص معاونت در سقط جنین از طریق تشویق و تحریک و... به ماده ۶۲۳ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ با موضوع سقط جنین و ماده ۳۸ لایحه با موضوع پیشنهاد طلاق به زن در علقه ازدواج دیگری به ماده ۶۴۴ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ با موضوع تزویج زن شوهردار اضافه گردد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- ابراهیمی، محمد و یاری خواه، علی، ۱۴۰۲، **بررسی جرم‌شناختی خشونت خانگی علیه زنان**، چاپ اول، تهران، انتشارات متخصصان.
- اتنهف، رنالد، ۱۳۸۴، سرکوب بهره‌کشی زنان در پهنه بین‌المللی و اروپایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، **مجموعه مقاله‌ها، نتایج کارگاه‌ها و اسناد نخستین همایش بین‌المللی زن و حقوق کیفری گذشته، حال و آینده**، چاپ اول، تهران، انتشارات سلسیل.
- اسدی، لیلآسادات، ۱۴۰۳، **حقوق کیفری خانواده**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات میزان.
- شریعتی، الهام؛ رجایی، فاطمه؛ احمدی، فهیمه؛ حجازی، زهراسادات، ۱۴۰۲، خشونت خانگی زوج علیه زوجه (مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق موضوعه با تاکید بر لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار)، **فصلنامه زن در توسعه و سیاست**، شماره ۳.
- شیخ بهایی، جمال‌الدین محمد؛ بهرامی نژاد، علی؛ بهرامی خوشکار، محمد، ۱۴۰۰، تحلیلی مبانی فقهی حقوقی جرم‌انگاری خشونت علیه زنان، **فصلنامه حقوق پزشکی**، ویژه‌نامه نوآوری حقوقی.
- عطاشنه، منصور، بصیری نیا، ابوالحسن؛ ابراهیمی نسب، یوسف، ۱۳۹۱، بررسی علل و عوامل آثار جرایم جنسی علیه زنان در منظر قوانین حقوق کیفری ایران، **فصلنامه روان‌شناسی فرهنگی زن**، شماره ۱۱.
- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و ریاضت، زینب، ۱۳۹۴، سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم علیه زوجه در خانواده، **دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده**، شماره ۶۳.
- کریزی، حمیدرضا، ۱۳۹۶، **بزه‌دیدده‌شناسی فمینیستی**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- معظمی، شهلا، ۱۳۸۳، حمایت از زنان در برابر خشونت‌های خانگی، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۱۳.
- مقدسی، محمدباقر و یزدانی، جواد، ۱۳۹۷، مداخله کیفری در حوزه خانواده در پرتو مبانی شاخص جرم‌انگاری، **فصلنامه فقه و حقوق خانواده**، شماره ۲۳.
- مهدوی، محمود؛ رستمی، سینا؛ کربلایی، هادی؛ دیبامهر، مینا، ۱۳۹۶، پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان قربانی خشونت در خانواده با بررسی سیاست جنایی تقنینی ایران، **فصلنامه رهیافت پیشگیری از جرم**، شماره ۲.
- میرشفیعیان، سمیراسادات، ۱۴۰۱، **نقش اورژانس اجتماعی در حمایت از زنان بزه‌دیده**، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
- نعمتی، زهرا و فرجیها، محمد، ۱۴۰۲، واکنش نهادهای عدالت کیفری در قبال خشونت جنسی علیه همسر، **دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری**، شماره ۲۷.
- همایون مصباح، سیدحسین، ۱۳۹۱، نگاهی به کنوانسیون‌های بین‌المللی درباره حقوق زن، **دوفصلنامه حوزه**، شماره ۱۶۳ و ۱۶۴.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.25- Autumn 2025

- Exploring the Possibility of Establishing Crimes Against Humanity from the Unilateral US Sanctions Against Iran
Homayoun Mafi, Morteza Pourazai
- Analysis of Blockchain Based Smart Contracts from the Perspective of the United Nations Convention on Contracts for the International Sales of Goods
Aria Ebrahimi, Sobhan Tayebi
- Artificial Intelligence and the Criminal Law System: An Analysis of Responsibilities and Implications
Hadi Jamshidi Far, Mehdi Jafarian, Roghayeh Jafarian
- Digital Transformation of Criminal Justice in the Light of Digital Justice: The Synergistic Function of Emerging Technologies
Seyed Alireza Mirkamali, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi
- The Legal Status of Joint Inventions and the Extent of Ownership and Possession of the Inventors in Them
Saeed Molavi, Narjes Darbani Chelche
- Contractual Obligations in Cross-Border E-Commerce and the Challenges of Their Enforcement in International Arbitration with Emphasis on International Treaties
Ehsaneh Vosoughi Monfared, Mohammad Ali Kefaei Far
- An Analysis of the Involvement of Moral Theories in Criminal Law
Iraj Morvati, Saeid Ahmadi, Negin Bahadori Jahromi
- The Need to Criminalize the Possession of Miners in Iran (Comparative Study)
Mahdi Rajaeian, Shadi Chegini
- The Relationship between Human Dignity and the Goals of Punishments in Criminal Law
Amirhasan Abolhasani, Sattar Fakhrzai, Zeinab Ghaderi
- Analyzing the Concept of Right to the Child in Imami Narrations: A Critique of the Concept of Custody in Jurisprudence and Family Law
Hojjatollah Dehghani
- Comprehensive Legal System of the National Iranian Oil Company (NIOC) SAHN; a Strategic Transformation in the Intelligent Legal Governance of Iran's Oil Industry
Sayyed Hojjatollah Alamolhoda, Mohammad Mahdi Asadi
- Basic Principles of Insurance and its Consequences on Intention to Cause Damage
Mohammad Kamali, Mohammadali Jahani, Hamidreza Salimi
- Analysis of the Causes of Delinquency Among Children and Adolescents in Iranian Criminal Law
Sayyed Ahmad Peyrovnaziri, Amirreza Mahmoudi
- Examining the Validity and Admissibility of Modern Communication Tools in the Process of Proving Crime in the Iranian Legal System
Alireza Bagheri Hassanabadi
- Criminal Liability of Notaries Public: Analysis of Legal Challenges and Preventive Solutions in the Iranian Registration System
Ayoub Rahimi
- The Concept of Public Interest in the Light of John Stuart Mill's Utilitarianism and Its Comparison with the Thought of Jeremy Bentham
Ahmadreza Soltanian
- Civil Liability for Robots and Artificial Intelligence: Legal Challenges and Solutions in the Age of New Technologies
Jeyran Ebrahimi
- Supportive Policymaking for Women's Victimization in the Family with an Emphasis on New Developments
Mahbobeh Talebi Rostami
- The Impact of Criminal Psychology on Committing Crimes in Iranian and French Law
Vahid Kioumarsi
- The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions
Mahdi Gharedaqi, Masoud Sarfarazi Saleh
- A Jurisprudential and Legal Study of the Condition for the Return of the Endowment to the Donor's Property
Habibollah Abdollah Poor, Hamidreza Namavar
- An Analysis of the Environmental Crimes of the United States of America and Israeli Aggression against the Islamic Republic of Iran
Javad Cheraghi
- Legal Analysis of the Role of Real Estate Consultants in Preserving Land Ownership Rights and Its Enforcement Challenges in Iran
Mohammad Ahmadi
- The International Criminal Courts Counteraction to the Spread of ISIS Crime
Javad Dashtian
- The Validity of the New York Convention in Iran's International Commercial Arbitration and the Arbitration Agreement with an Emphasis on the Commercial Concept
Ali Babapour Hamrahloo, Pouya Banihashem
- Ownership and Exploitation of Water in the Iranian Legal System
Ahmad Padidar, Yaser Sayyad Poor
- The Right to be Forgotten and its Effects on Contractual Relationships in Public Blockchains; a Comparative Analysis of Data Privacy in Iranian and European Law
Arefeh Ghasem Zadeh Dehabadi
- An Examination of the Legal Nature of Build-Lease-Transfer (BLT) Contract
Ali Zarei Jalalabadi
- The Role of the Lawyer in Preliminary Investigations in the Criminal Procedure Code
Alireza Deraei
- Identifying and Prioritizing Socio-Political Factors Affecting Begging in Zahedan
Mohammad Kamal Dadras
- Civil Liability of the State for Damages Caused by Delayed Proceedings
Ali Farahi
- The Impact of Government Economic Policies on Contractual Freedom in Private Markets
Radmehr Rahmani Golafshan
- A Historical Review of Criminalization of Armed Forces Crimes
Yasser Shakeri